

معرض وجود نیروگاه‌های هسته‌ای و آلودگی‌های ناشی از آنها در مناطق مرزی از نگاه قوانین بین‌المللی

عسکر جلالیان*

دانشیار، گروه حقوق دانشگاه پیام نور تهران جنوب

تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۲/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۱۳

Existence of Nuclear Power Plants and Pollution Problems in the Border Areas from the Perspective of International Law

Askar Jalalian*

Associate professor of international law Faculty, Tehran Payame Noor University

Receipt: 21 May 2017; Acceptance: 4 December 2018

Abstract

Nuclear power plants in the border regions have created many environmental problems for neighboring countries. In this research, which is an applied and descriptive-analytical study, we use the library method to answer the question of what are the international instruments for controlling and preventing the environmental problems of nuclear power plants in the border areas. In customary international law and some international documents regarding these power plants in the border areas, we are witnessing some procedures that have been used to control the pollution of the environment by these power plants. In the context of the establishment and operation of nuclear power plants in the frontiers, neither the conventions nor the rules of customary international law have any general prohibitions. Most environmental rights, both internationally and in the domestic arena, have a soft and advisory nature, and one has to think that the environmental rights will be out of the state of emergency and will be strict and binding. In this paper, we are trying to examine the damages and problems of these power plants, and to find solutions to these problems by reviewing international conventions and laws and applying these rules to the general principles of law and taking into account the rights of neighboring countries.

Keywords: Environmental Pollution, Good Neighbourliness Principle, Customary International Law, International Environmental Law, Nuclear Power Stations.

چکیده

نیروگاه‌های هسته‌ای در مناطق مرزی معضلات زیست‌محیطی فراوانی، خصوصاً برای کشورهای هم‌جوار، ایجاد کرده‌اند. در این پژوهش که از نوع کاربردی و توصیفی تحلیلی است با استفاده از روش کتابخانه‌ای به دنبال پاسخ این پرسش هستیم که در اسناد بین‌المللی چه راهکارهایی برای کنترل و پیشگیری از معضلات زیست‌محیطی نیروگاه‌های هسته‌ای در مناطق مرزی وجود دارد؟ در حقوق بین‌الملل عرفی و برخی از اسناد بین‌المللی در ارتباط با این نیروگاه‌های مرزی شاهد برخی رویه‌هایی هستیم که در آن به اعمال مواردی پرداخته است که آلودگی شدید محیط‌زیستی توسط این نیروگاه‌ها را کنترل می‌نمایند. در مبحث تأسیس و به کارگیری نیروگاه‌های هسته‌ای در مناطق مرزی چه در کنوانسیون‌ها و چه در قواعد حقوق بین‌الملل عرفی، قاعده‌ای که دارای ممنوعیت عام باشد، وجود ندارد. عمدۀ حقوق موضوعی محیط‌زیست چه در عرصه بین‌المللی و چه در عرصه داخلی، حالت نرم و توصیه‌ای دارد؛ بنابراین باید تدبیری اندیشید که حقوق محیط‌زیست از حالت توصیه‌ای خارج گردد و حالت سخت و الزام آور به خود بگیرد. در این مقاله تلاش نموده‌ایم آسیب‌ها و مشکلات وجود این نیروگاه‌ها را بررسی نموده و راهکارهایی برای حل این مشکلات ارائه نماییم. در نتیجه به بررسی کنوانسیون‌ها و قوانین بین‌المللی و تطبیق این قوانین با اصول کلی حقوقی و با در نظر گرفتن حقوق کشورهای هم‌جوار، پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: آلودگی‌های زیست‌محیطی، اصل حسن هم‌جواری، حقوق بین‌الملل عرفی، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، نیروگاه‌های هسته‌ای.

* dr_ajalalian@yahoo.com

مقدمه

نقاط مرزی و در نقاطی که نیروگاههای هسته‌ای تأسیس شده بود، دارای اهمیت بحرانی است. از این دیدگاه، انتخاب مکانی برای تأسیس نیروگاههای هسته‌ای نمی‌تواند مسئله‌ای مربوط به حقوق داخلی باشد زیرا تشعشعات مواد رادیو اکتیو در صورت انفجار یا حادثه‌ای از این قبیل، تنها در داخل آن کشور تأثیر نمی‌گذارد؛ بلکه کل یک منطقه را که احتمالاً چندین کشور باشد، شامل می‌شود. به همین خاطر تأسیس نیروگاه هسته‌ای در یک کشور تنها مربوط به آن کشور نیست بلکه دولت‌های دیگر هم باید از منظر قوانین بین‌المللی به این مسئله نگاه کنند و بعد حقوقی آن را ارزیابی و خطرات آتی را در نظر گرفته و در صورت ضرورت، جلوی تأسیس چنین نیروگاههایی را بگیرند. در ایران نیز کمتر کسی به موضوع زباله‌های هسته‌ای و تبعات آن و به خطرات ناشی از آن توجه کرده است. اصولاً موضوع تولید زباله‌های هسته‌ای از زمان کشف مواد رادیو اکتیو مورد توجه قرار گرفت. موادی که در خاک ایران دفن می‌شوند و هیچ معلوم نیست چه تبعات و زیان‌هایی را در پی دارند. آزان بین‌المللی انرژی اتمی مدتی پیش در گزارش خود به شورای امنیت از دو منطقه، به عنوان محل دفن زباله‌های هسته‌ای ایران نام برد. یکی منطقه آق‌اولر در کوههای تالش و دیگری سفید تپه بین مسیر چابکسر به رامسر. این خبر به هیچ وجه توسط مقامات جمهوری اسلامی ایران تأیید نشد (وبگاه بهداشت محیط ایران، بی‌تا). یکی از نیروگاههای هسته‌ای موجود در مناطق مرزی، نیروگاه هسته‌ای قدیمی Fessenheim کیلومتری مرز آلمان است که از نظر زلزله‌شناسی نیز در منطقه خطرناکی واقع شده و نگرانی شدید مقامات آلمان را، موجب شده است (Grenznahe Atomkraftwerke: 2010).

بررسی وجود نیروگاههای هسته‌ای در مناطق مرزی از منظر حقوق بین‌الملل، مخصوصاً ارتباط این موضوع با برخی مباحث مربوط، باعث شده است تا در این مقاله بدان‌ها پرداخته شود. نخست، معاهدات که یکی از منابع اصلی حقوق بین‌الملل است، مورد توجه ما خواهد بود؛ با این حال، مفاد موجود در یک معاهدات بین‌المللی، باید حاوی مسائل پیشنهادی در مورد این نیروگاهها باشد که دولت دارنده آن با عمل به آن‌ها به مقابله با این معضل پردازد؛ علاوه بر معاهدات بین‌المللی، دولت‌ها باید به مفاد حقوق عرفی بین‌المللی نیز توجه داشته باشند و بدان عمل کنند؛ ولی برخلاف معاهدات بین‌المللی که در آن دو دولت یا بیشتر بین خود، ملزم به آن‌ها هستند، در حقوق بین‌الملل عرفی تمامی دولت‌ها ملزم به رعایت آن هستند (GÜNEŞ, 2014: 3).

در تاریخ ۱۱ مارس ۲۰۱۱ در اثر زلزله شدید فوکوشیما واقع در ژاپن و به دنبال آن انفجار نیروگاه هسته‌ای فوکوشیما مقادیر زیادی مواد رادیو اکتیو در آن منطقه پخش شد. به همین دلیل دوباره بحث نیروگاههای هسته‌ای و اثرات آن بر طبیعت و انسان و لزوم جلوگیری از این گونه اتفاقات در مجامع بین‌المللی مطرح شد. این فاجعه، در بسیاری از کشورها سبب شد، دولت‌ها در سیاست‌های انرژی خود تجدیدنظر کنند و قدم‌های مهمی در این عرصه بردارند. برای نمونه، سه روز بعد از این حادثه در ۱۴ مارس ۲۰۱۱ دولت فدرال آلمان با تغییراتی که در قانون و ممنوعیتی که در استفاده از انرژی اتمی ایجاد کرد، قرار شد تمامی ۱۷ راکتور هسته‌ای در آلمان تا سال ۲۰۲۲ بسته شوند. یکی از دلایلی که باعث می‌شود بسیاری از دولت‌های به ممنوعیت استفاده از انرژی اتمی گردن نهند، انفجار هسته‌ای و نشت و انتشار مواد رادیو اکتیو در طبیعت و اثرات این حوادث در محیط‌زیست و انسان‌های حال و آینده و خسارات شدید حاصل که در نوع خود بسیار خطرناک است. علاوه بر این، پسماندهای رادیو اکتیو در یک طرف و ضایعاتی که پس از تخریب نیروگاه هسته‌ای بعد از خاتمه عمر مفید آن‌ها از طرف دیگر نگرانی عمده‌ای را ایجاد نموده است که به اعتقاد صاحب‌نظران خطرپذیری این نوع مواد با توجیه علمی و منافع ملی نیز قابل قبول نیست. حتی توجیه اقتصادی نیز نمی‌تواند داشته باشد؛ چرا که مضراتی که این مواد بر محیط و سلامتی انسان‌ها می‌گذارند فوق العاده زیان‌بارتر و پر هزینه‌تر بهره‌مندی از سود مادی آن است. اقداماتی که دولت‌ها در زمینه انرژی هسته‌ای و تضمین اینمی هسته‌ای در خاک کشورهای خود انجام می‌دهند بی‌شک دارای اهمیت خاصی است. به دلیل اثرات فرامملی رادیو اکتیو و خساراتی که برآثر انتشار مواد رادیو اکتیو در طبیعت به هیچ وجه در داخل آن کشور محصور نخواهد بود و بخش وسیعی از یک منطقه، شاید چندین کشور باشد یا حتی دریا، را در بر خواهد گرفت. همان‌طور که در سال ۱۹۸۶ در فاجعه چرنوبیل نه تنها در خود اوکراین، محل فاجعه، بلکه خارج از اوکراین در روسیه و بلاروس و نیز در کشورهای بلغارستان، یوگسلاوی، سوئد، فنلاند، نروژ، رمانی، لهستان، اتریش و حتی ترکیه نیز مواد رادیو اکتیو دیده شده است. اگرچه اثرات نیروگاههای هسته‌ای در اوکراین و روسیه گسترده‌تر هم باشد، در درجه نخست تأثیرات فرامملی این نیروگاههای هسته‌ای، مضراتش بیشتر به کشورهای هم‌جوار رسیده است. در این نقاط به خصوص در

معاهدات بین‌المللی

کنوانسیون ایمنی هسته‌ای^۱

مهم است ولی باز هم به بیان اظهاراتی عام و مبهم پرداخته است. مفاد ماده ۶ این چنین است: هر طرف متعاهد اقدامات مقتضی را اتخاذ خواهد کرد تا مطمئن شود ایمنی تأسیسات موجود در زمان لازم‌الاجرا شدن این کنوانسیون برای آن طرف متعاهد در سریع‌ترین زمان ممکن مورد بازبینی قرار می‌گیرد. در موقع ضروری طبق سیاق این کنوانسیون، طرف متعاهد تضمین خواهد کرد که تمام اصلاحات علمی متعارف، بی‌درنگ برای ارتقای ایمنی تأسیسات هسته‌ای انجام شده است. اگر چنین ارتقایی تحقق نیافرته باشد، باید برنامه‌هایی برای بستن تأسیسات هسته‌ای در سریع‌ترین زمان ممکن اجرا شوند. زمان‌بندی بستن تأسیسات ممکن است با در نظر گرفتن مسائل مربوط به انرژی و جایگزین‌های احتمالی و نیز تأثیرات اجتماعی، زیستمحیطی و اقتصادی آن صورت گیرد؛ در نتیجه، توافقاتی که طرفین متعاهد در مورد نیروگاه‌های هسته‌ای کرده‌اند، به صورت گسترش موردن رضایت قرار گرفته است؛ علاوه بر این، همان‌طور که گذشت، در معاهدات، تعهد دولت‌ها به ارائه گزارش به آژانس نیز قابل توجه است. در رابطه با این موضوع، ماده ۵ این چنین اظهار می‌کند: هر طرف متعاهد پیش از جلسه، موضوع ماده ۲۰ گزارش اقدامات انجام شده خود، برای اجرای هر یک از تعهدات این کنوانسیون را به منظور بررسی ارائه خواهد کرد. در این جلسات (جلسات بازنگری) گزارش‌هایی که توسط دولت‌های طرف کنوانسیون تهیه گردیده شده است، به صورت گزارش مجزا ارائه خواهد شد. اگرچه ایمنی هسته‌ای و همکاری‌های هسته‌ای مخصوصاً از نظر تشکیل و کارکرد تأسیسات هسته‌ای و از نظر حقوق بین‌الملل به حد مطلوبی هم رسیده باشد، به خاطر ساختار نامشخص و مبهمی که این کنوانسیون دارد، مورد انتقاد قرار گرفته است. در این زمینه، باید در کنوانسیون ایمنی هسته‌ای تجدید نظر کرد تا پاسخگوی نیازهای امروزی ایمنی هسته‌ای باشد و حتی برخی معتقدند که باید در این زمینه، تجدید نظر اساسی نمود (Ipsen, Völkerrecht, 2004:57-92; Faßbender, ZUR 2012, s. 101). (270)

کنوانسیون اعلام فوری حادثه هسته‌ای^۲

در سال ۱۹۸۶ بعد از فاجعه چرنوبیل، کنوانسیون هشدار زودرس یک حادثه هسته‌ای به وجود آمد (Schärf, 2008: 90). دولت، از جمله ایران، عضو این کنوانسیون هستند.

کنوانسیون ایمنی هسته‌ای در ۱۷ ژوئن سال ۱۹۹۴ میلادی

در جلسه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین به تصویب رسید و در ۲۴ اکتبر سال ۱۹۹۶ میلادی لازم‌الاجرا شد. تاکنون ۷۶ کشور از جمله اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد عضو آن شده و ۶۵ کشور نیز آن را امضا نموده‌اند. کشورهایی مانند مصر، الجزایر، مراکش، سوریه، کویت و اسرائیل از جمله کشورهایی هستند که این کنوانسیون را امضا کرده‌اند (وبگاه ویکی پدیای فارسی، بی‌تا).

تعهدات اعضاء در این کنوانسیون تا حدود زیادی بر اساس اصول مندرج در سند اصول ایمنی آژانس تعیین شده است. تعهدات از جمله مکان، طراحی، ساخت، عملیات ارزیابی و راستی آزمایی ایمنی، تضمینات کیفی و آمادگی در برابر وضعیت‌های اضطراری می‌باشد. گفته می‌شود کنوانسیون در حکم یک مشوق است و برای اطمینان از اجرای تعهدات اعضاء از طریق کنترل و تصویب نیست، بلکه مبتنی بر منافع مشترک برای نیل به درجات ایمنی بالاتر است که از طریق دیدارهای منظم اعضاء ارتقا می‌باید. کنوانسیون اعضاء را ملزم به ارائه گزارش اجرای تعهداتشان برای بررسی هم‌سطح در دیدارهای اعضاء در آژانس می‌کند. این مکانیسم نوآوری اصلی کنوانسیون محسوب می‌شود (IAEA Action Plan on Nuclear Safety, 2011).

مواد ۱۰ تا ۱۹ به ایمنی تأسیسات هسته‌ای در موضوعات مختلف پرداخته است. در ماده ۱۷ در مورد مکان‌یابی، جهت تأسیس نیروگاه، سخن به میان رفته است. در بند چهارم ماده ۱۷ در مورد تأسیس و مکان‌یابی نیروگاه هسته‌ای این چنین اشاره شده است: مشورت با طرفین متعاهد با تأسیسات هسته‌ای پیشنهاد شده، در صورت احتمال تحت تأثیر قرار گرفتن آن‌ها توسط تأسیسات فوق و بنا به درخواست، فراهم کردن اطلاعات لازم برای طرفین متعاهد مزبور به منظور اینکه آن‌ها را قادر به ارزیابی ایمنی احتمالی تأسیسات هسته‌ای بر قلمروی خود کنند؛ با این حال، به دلیل بیان عام و مردد در مورد تأسیس نیروگاه‌های هسته‌ای فقط در مکان‌های ایمنی، انتقادهای زیادی را در مورد این بند از ماده ۱۷ در پی داشته است. (Faßbender, ZUR 2012:268) در ماده ۶ نیز موضوع

تحت نظر، اختیارات قانونی دولت‌ها، نیروگاههای هسته‌ای را به کار گرفته و مواد هسته‌ای حمل می‌کنند، مسئولیت خسارات بر عهده دولت مربوطه می‌باشد. مطابق با این کتوانسیون، مسئولیت تام خساراتی که در اثر فعالیت تأسیسات هسته‌ای متوجه اشخاص می‌شود، بر عهده اشخاص حقیقی یا حقوقی گرداننده این تأسیسات است؛ همچنین مسئولیت جبران خساراتی که در اثر حمل مواد هسته‌ای به اشخاصی وارد شود، بر عهده گردانندگان این تأسیسات می‌باشد.

مقررات جبران خسارات در این کتوانسیون مشمول مرور زمان می‌شود، بدین معنی که شخص یا اشخاص به مدت ۱۰ سال از زمان وقوع خسارات، فرصت دارند مدعا جبران خسارات شوند؛ این در حالی است که در صورت فوت شدن شخصی در اثر این زیان‌ها، مدت زمان لازم برای ادعای جبران خسارات و طرح دعوا، ۳۰ سال از زمان فوت شخص است. خساراتی که در اثر مخاصمات مسلحانه، جنگ داخلی، حوادث طبیعی از این نیروگاههای هسته‌ای متوجه شخص یا اشخاصی شود، مشمول این کتوانسیون و جبران خسارات نمی‌باشد (GÜNEŞ, 2014: 8).

کتوانسیون اسپو^۵ (Espoo)

کتوانسیون اسپو نام مختصر کتوانسیون بین‌المللی با عنوان ارزیابی اثرات زیست‌محیطی در زمینه مسائل فرامرزی است که در سال ۱۹۹۱ مورد توافق کشورها قرار گرفت. این کتوانسیون از طرف کمیسیون اقتصادی، بر مبنای حقوق بین‌الملل پا به عرصه وجود گذاشت و در سال ۱۹۹۷ به مرحله اجرا درآمد و ۴۵ کشور به این کتوانسیون پیوسته‌اند (Budak, 2005: 2-21). تلاش‌های بین‌المللی جهت کاهش اثرات نامطلوب محیط‌زیست فرامرزی و اهمیت اتخاذ سیاست‌های آینده‌نگر و لزوم ارتقای همکاری‌های بین‌المللی منجر به شکل‌گیری کتوانسیونی درخصوص ارزیابی اثرات محیط‌زیستی فرامرزی شد؛ این کتوانسیون اولین سند قانونی است که حقوق و وظایف اعضاء را با توجه به اثرات فرامرزی فعالیت‌های پیشنهادی مشخص می‌کند و شیوه‌هایی را در قالب فرامرزی، برای مقابله با اثرات محیط‌زیستی فرامرزی فعالیت‌های پیشنهادی، ارائه می‌نماید.

4. Convention on Environmental Impact Assessment in a Transboundary Context

۵. اسپو نام شهری در فنلاند است که قرارداد این کتوانسیون در آن شهر امضا شده است.

سرزمین‌هایی که دارای نیروگاههای هسته‌ای هستند یا در همسایگی کشورهای دارای نیروگاه هسته‌ای قرار دارند، باید انتشار مواد رادیو اکتیو در خاک خود را محتمل فرض نموده و سیستم اطلاع رسانی زودرسی را آیجاد نمایند. به همین خاطر اگر در یکی از این کشورها حادثه‌ای هسته‌ای یا وضعیت اضطراری خطر انتشار مواد رادیواکتیو رخ دهد، دولت موظف است پس از ارزیابی تأثیرات آن بر محیط و انسان‌ها، ابعاد حادثه، زمان روی دادن حادثه، مکان حادثه، میزان انتشار مواد رادیو اکتیو و سایر اطلاعات لازم مربوط به حادثه را مشخص کرده و گزارش را سریعاً به سایر دولتها و اهالی منطقه اطلاع داده و اقدامات مقتضی را انجام دهد. لازم به توضیح است که اطلاعات و اطلاعیه‌های وضعیت اضطراری با تحقیقات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به اطلاع سایر دولتها می‌رسد. ماده ۱ این کتوانسیون به بیان لزوم اطلاع رسانی در مورد تأسیسات و فعالیت‌های مشخص پرداخته است. جز این موارد، اطلاع رسانی در مورد سایر موارد در اختیار دولت است. در ماده ۵ به بیان وظایف دولت، در مورد اطلاع رسانی در مورد حادثه هسته‌ای، پرداخته است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹).

کتوانسیون مسئولیت مدنی در خصوص خسارات واردہ بر شخص ثالث در انرژی هسته‌ای (کتوانسیون پاریس)^۶

این کتوانسیون در سال ۱۹۶۰ مورد توافق قرار گرفت که در برخی موارد به صورت اختصار به آن کتوانسیون هسته‌ای پاریس یا کتوانسیون پاریس می‌گویند. این کتوانسیون یکی از چندین کتوانسیون بین‌المللی است که در مورد تأسیسات هسته‌ای در موضوعات مختلف به عرصه ظهور رسیده است (Korkusuz, 2012: 56; Kissich, 2001: 63).

از زمانی که این کتوانسیون به وجود آمده است، چهار تغییرات بسیاری شده که آخرین بار با پروتکلی در سال ۲۰۰۴ در آن تجدید نظر شده است. کشورهای بلژیک، دانمارک، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، ایتالیا، هلند، نروژ، پرتغال، اسپانیا، سوئد، اسلوونی و ترکیه عضو این کتوانسیون هستند. ایران هنوز به این کتوانسیون پیوسته است.

هدف اصلی این کتوانسیون، جبران خسارات اشخاص ثالث در قالب نظام بین‌المللی است. گاهی اوقات که در کشورهای

3. Paris Convention on Nuclear Third Party Liability

در صورت احتمال تحت تأثیر قرار گرفتن آنها توسط تأسیسات فوق و بنا به درخواست، فراهم کردن اطلاعات لازم برای طرفین متعاهد مجبور به این جهت که آنها را قادر به ارزیابی تأثیر اینمی احتمالی تأسیسات هسته‌ای بر قلمرو خود کنند؛ همان‌طور که مشاهده می‌شود این موارد شفافیت کافی ندارد و از نظر حقوقی نیز از هیچ نوع الزامی (قاعدة الزام آور) ندارد (Doğan, 2008: 123).

با نگاهی کوتاه و مختصر به این کنوانسیون‌ها شاهد مقرراتی هستیم که به نوعی مبهم و در بیشتر موارد غیرالزام آور هستند و این خود نشان دهنده این نکته است که دولت‌های بزرگ هسته‌ای تمایلی به پاییندی و ارائه مقررات صریح در این مورد ندارند و با بهانه‌هایی سعی در توجیه اقدامات غیرموجه خود دارند.

حقوق بین‌الملل عرفی

مفاهیم عام

حقوق بین‌الملل عرفی به آن دسته از ضوابط رفتاری تابعان حقوق بین‌الملل گفته می‌شود که از عرف نشأت گرفته‌اند و بهمنزله یک رویه عمومی به عنوان قانون پذیرفته شده‌اند. عرف بین‌المللی به همراه معاهدات و اصول حقوقی کشورهای متعدد یکی از منابع اصلی دیوان بین‌المللی دادگستری برای حل و فصل اختلافات است (اساسنامه دیوان بین‌الملل دادگستری، ۱۳۴۶). برخلاف نظامهای پیشرفت‌حقوق داخلی که در آنها عرف عنصری مزاحم و نسبتاً به اهمیت شمرده می‌شود، در عرصه بین‌المللی، حداقل تاکنون، عرف یک منبع پویا بوده و نقش برجسته‌ای در تدوین و شکل‌گیری حقوق بین‌الملل ایفا کرده است (ربکا، ۱۳۹۴: ۷۳).

عناصر سازنده عرف بین‌المللی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

- ۱- عنصر مادی: عنصر مادی عرف طبق بند ۲ ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی رویه عمومی است. دیوان در رأی صادره در موضوع حق پناهندگی در سال ۱۹۵۰ به روشنی بیان کرده که منظور از «رویه عمومی»، رویه مستمر و متحدد الشکل دولت‌ها است. در اینجا دو سؤال مطرح می‌شود که باید به آنها پاسخ داد: اول اینکه آیا مراد از رویه عمومی، عملکرد تمام دولت‌های جهان است یا خیر؟ در

این کنوانسیون به عنوان یکی از محدود ابزارهای حقوقی بین‌المللی مرتبط با آثار فرامرزی ناشی از فعالیت‌های توسعه است که امید می‌رود با بهره‌گیری از آن بتوان اقداماتی را در خصوص حل معضلات محیط‌زیستی ناشی از پروژه‌های توسعه، در مورد محیط‌زیست و پروژه‌های محیط‌زیستی انجام داد (فرشچی و روح شهباز، ۱۳۸۵: ۳).

در مورد مسائل فرامرزی لازم به توضیح است که در کنوانسیون اسپو که برای تمام کشورهای اروپایی کاربرد دارد، روشی مشخص در رابطه با ارائه شده است که در کلیه مطالعات ارزیابی محیط‌زیستی به کار گرفته می‌شود؛ با این حال، پیگیری اهداف کنوانسیون از طریق اجرای الزامات آن، مورد توافق کلیه کشورهای عضو قرار گرفته است. طبق تعریف ارائه شده از سوی کنوانسیون اسپو، اثر فرامرزی عبارت است از هرگونه اثر ناشی از یک فعالیت برنامه‌ریزی شده که تمام یا بخشی از منشأ فیزیکی آن در محدوده سیاسی یک کشور عضو، به اجرا در می‌آید و اثرات آن در حوزه نفوذ سیاسی کشور دیگر، ظاهر می‌گردد. مدل اصلی که از سوی کنوانسیون اسپو برای انجام ارزیابی اثرات محیط‌زیستی پروژه‌های دارای اثرات فرامرزی ارائه گردیده است، مسئولیت اصلی انجام ارزیابی محیط‌زیستی را بر عهده کشوری نهاده که پروژه در محدوده خاک آن کشور اجرا می‌شود (کشور مبدأ). زمانی که پروژه‌ای با اثرات فرامرزی احتمالی پیشنهاد می‌شود، دولت‌هایی که خاک آنها ممکن است تحت تأثیر فعالیت‌های آن پروژه قرار گیرد، باید هم‌زمان با سکنی کشور میزبان، از وضعیت پروژه مطلع شوند (خدابنده، ۱۳۸۷: ۵).

در ارزیابی مباحث گفته شده باید اذعان کرد که هنوز یک سند حقوقی که در آن به طور مستقیم، دقیق، موجز و مستقل به مسئله نیروگاه‌های هسته‌ای در مناطق مرزی پردازد، در حقوق بین‌الملل و کنوانسیون‌های مربوط به مسائل هسته‌ای وجود ندارد. در واقع مسئله وجود نیروگاه‌های هسته‌ای در مناطق مرزی نه به طور مجزا بلکه به طور پراکنده و کلی در کنوانسیون‌های مختلف، مورد اشاره قرار گرفته است؛ برای مثال در اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، موسسه درباره اینمی هسته‌ای، مجاز است مقرراتی اساسی (استاندارد) وضع و یا اقتباس نماید؛ در حالی که در کنوانسیون اینمی هسته‌ای به این صورت به مسئله اشاره می‌کند که مشورت با طرفین متعاهد مجاور (کشورهای مجاور) با تأسیسات هسته‌ای پیشنهاد شده است،

آسیب جدی می‌رسانند، جلوگیری کند و با استفاده از تمامیت ارضی خود باید مانع سرایت آسیب‌های زیست محیطی به خارج از مرزهای آن کشور شود. نقطه مشترک قاعده ممنوعیت آلودگی‌های شدید زیست محیطی فرامرزی با اصل ۷۴ منشور ملل متحد است که به این نکات اشاره می‌کند: اعضای سازمان ملل متحد همچنین موافقت می‌کنند که خط مشی آن‌ها چه در سرزمین‌های مشمول مقررات این فصل و چه در قلمرو خاک اصلی خود آن‌ها در امور اجتماعی، اقتصادی و تجاری با رعایت ملاحظات لازم از حیث منافع و رفاه سایر نقاط جهان، بر اساس اصل کلی حسن هم‌جواری استوار باشد. با توجه به اصل کلی حسن هم‌جواری مشترک باید دولتی که در سرزمین خود اقدام به اموری می‌کند که با طبیعت و محیط‌زیست سازگار نیست و در صورت ادامه این امور باعث آسیب جدی به محیط‌زیست و طبیعت کشور هم‌جوار می‌شود، به‌طور جدی جلوگیری کرده و به هیچ وجه از این اقدامات حمایت نکند و اجازه چنین اقداماتی را به کارمندان خود و شهروندان ندهد. این ممنوعیت همچنین با ماده ۲۱ اعلامیه استکهم و ماده ۲ اعلامیه ریو سازگار و مشترک است. در ممنوعیت آلودگی‌های شدید زیست محیطی فرامرزی دو سابقه تصمیم قضایی مشهور هم وجود دارد. برای نخستین بار در سال ۱۹۴۱ در قضیه Trail-Smelter دیوان داوری باید تصمیم می‌گرفت آیا کانادا مسئول خسارت واردہ بر محصولات و اراضی ایالت واشنگتن آمریکا ناشی از انتشار گاز دی‌اکسید سولفور ایجاد شده توسط کارخانه ذوب سنگ‌های معدنی روی و سرب است یا خیر (کارخانه در ایالت بریتیش کلمبیای کانادا واقع بود). رأی دیوان از این قرار است: «بر اساس اصول حقوق بین‌الملل هیچ کشوری حق ندارد از سرزمین خود به شیوه‌ای استفاده کند یا اجازه استفاده از آن را دهد که از طریق بخار (ایجاد شده توسط کارخانه ذوب فلز) به سرزمین، اموال یا اشخاص دولت دیگر خسارت وارد کند» (رأی ۱۹۴۱). در نتیجه دیوان کانادا را محاکوم به جبران خسارت ایالات متحده نمود.

با توجه به اصل حسن هم‌جواری کانادا نبایست با اقداماتی در خاک خود به محیط‌زیست، اموال و اشخاص واقع در ایالات متحده خسارت و آسیب وارد می‌کرد. پانزده سال بعد (۱۹۵۷) دادگاه داوری دیگری، در اختلاف راجع به خسارت فرامرزی بین فرانسه و اسپانیا در مورد استفاده از آب‌های دریاچه لانوکس، دوباره همین

پاسخ به این سوال باید گفت مراد از رویه عمومی، عملکرد تمام دولت‌ها نیست بلکه منظور رفتار تعدادی از کشورها است که به‌طور خاص در مصالحه که در آن عرف مطرح است ذی نفع باشند. دوم اینکه رویه دولت چگونه احراز می‌گردد؟ جواب این است که معمولاً رویه‌ها از طریق وضع قوانین داخلی کشور، گزارش‌های بین‌المللی که در آن نظر دولت‌ها بیان شده، آرای محاکم رأی مثبت به قطعنامه‌ها و اظهارات نمایندگان رسمی کشورها به وجود می‌آید.

۲- عنصر معنوی: در کنار رویه مستمر دولت، باید اعتقاد دولت‌ها به حق بودن آن رویه وجود داشته باشد تا آن رویه بتواند به عنوان قاعده عرفی به وجود آید. در بند ۲ ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بیان شده است که رفتار دولت‌ها باید به‌گونه‌ای باشد که آن رویه عمومی همانند قاعده حقوقی پذیرفته شده باشد (میرزاپی، ۱۳۹۲).

همان‌طور که در مطالب پیشین اشاره کردیم، حقوق بین‌الملل عرفی تنها شامل یک یا چند دولت نمی‌شود بلکه به‌طور عموم تمام دول را شامل می‌شود؛ ولی یک استثنای وجود دارد و آن این است که وقتی دولتی همواره به رفتاری اعتراض کند که بعدها به عنوان عرف، مورد پذیرش قرار می‌دهد، هیچ الزامی به عرف بین‌المللی مورد نظر نخواهد داشت. در مورد وجود نیروگاه‌های هسته‌ای در مناطق مرزی نیز هم اکنون سه قاعده عرفی بین‌المللی وجود دارد که عبارت‌اند از: ممنوعیت آلودگی‌های شدید زیست محیطی فرامرزی، اصل احتیاطی، اصل همکاری.

ممنوعیت آلودگی‌های شدید زیست محیطی فرامرزی

یکی از مقررات مهم و اساسی در حقوق عرفی بین‌المللی «ممنوعیت آلودگی‌های شدید زیست محیطی فرامرزی» است (Güneş, 1981: 1 - 98; Kloepfer, 1981: 29; Epiney, 1995: 309) این قاعده به صورت کلی دولت‌ها را از فعالیت‌هایی که در خاک خود به صورت جدی به آلودگی محیط‌زیست و حتی خسارات فرامرزی منجر می‌شوند را منع کرده و جهت جلوگیری از چنین آلودگی‌هایی به دولت‌ها توصیه کرده است که تدبیری اتخاذ کنند. این قاعده با دو اصل حقوق بین‌الملل یعنی اصل حاکمیت ملی و اصل تمامیت ارضی همخوانی دارد (Pazarcı, 1995: 153; Arnauld, 1995: 153; Epiney, 1995: 309) به طوری که دولت با استفاده از حاکمیت ملی خود باید از مواردی که به محیط‌زیست

صرف هزینه‌های گزارف برای جبران خسارت، می‌توان با توجه به این اصل از ورود خسارت جلوگیری کرد که هم باصرفه است و هم آسیبی به طبیعت وارد نمی‌شود تا آثار سوئی بهجا گذارد.

ممنوعیت آلودگی‌های شدید زیست‌محیطی فرامرزی یکی از اصول بسیار مهمی است که می‌تواند در جلوگیری از ورود خسارت و آسیب در مناطق مرزی به خاطر نیروگاه‌های هسته‌ای اثرگذار باشد. نکته قابل توجه این است که با یید فعالیت‌های فوق العاده خطرناک را در مقایسه با سایر فعالیت‌ها در مقیاس بالایی بررسی کرد و تدبیری جهت جلوگیری از این خسارات اتخاذ کرد.

در بسیاری از معاهدات بین‌المللی و اعلامیه‌های جهانی مقررات پیشگیری کننده تقریباً به صورت الزام آور Faßbender,(1992: 16; Epiney, 1995: 329). 2012: 271; Handl, به عنوان عرف بین‌المللی پذیرفته شده است

برای جلوگیری از ورود خسارت باید با ایجاد محدودیت، همواره مؤسس این نیروگاه‌ها را ملزم به سرمایه‌گذاری در زمینه به کارگیری بهترین تکنولوژی موجود^۷ سوق داد. در اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز همواره در به کارگیری استانداردهای ایمنی (مقررات اساسی در مورد ایمنی) به استفاده از تعبیری مشابه بهترین تکنولوژی موجود اشاره می‌کند.

لازم به ذکر است که کمی بعد از حادثه فوکوشیما رئیس سابق دیوان بین‌المللی دادگستری کریستوفر ویرامانتری با نامه‌ای سرگشاده به دولت‌ها به این نکته اشاره کرده است که تداوم و افزایش نیروگاه‌های هسته‌ای با توجه به اصول کلی حقوق بین‌المللی در تناقض است Weeramantry,(2001: 2). به نظر می‌رسد در صورتی که احتمال خطر ورود خسارات جدی به محیط‌زیست و انسان‌ها رو به افزایش باشد، دولت‌های هم‌جوار آن کشور (کشور محل نیروگاه‌های هسته‌ای) باید بتوانند از فعالیت‌های هسته‌ای آن نیروگاه جلوگیری کنند ولی در چنین شرایطی امکان مطرح کردن چنین نظری در قالب حقوق بین‌الملل عرفی ممکن Faßbender, 2012: 272; Arnauld, 2012: 331; Handl, 1987: 65 نیست (؛)؛ زیرا در این زمینه هنوز عنصر مادی و معنوی چنین پیشنهادی به وجود نیامده است؛ با این حال در میان دولت‌ها، گاهی شاهد مشورت و همکاری فعال جهت

مفهوم مضيق حمایت از محیط‌زیست را تأیید کرد: «با فرض پذیرش اصولی که کشور بالای رودخانه را از ایجاد تغییر در آب‌های رودخانه به‌گونه‌ای که به‌شدت موجب خسارت کشور پایین رودخانه می‌گردد، منع می‌کند؛ این اصول در پرونده حاضر جریان ندارند زیرا پروژه فرانسه تغییری در آب‌های رودخانه کارول ایجاد نمی‌کند». این رأی نشان می‌دهد در آن زمان پذیرفته نبود که نفس محیط‌زیست به عنوان منع مشترک، علت انحصاری حمایت از محیط‌زیست است، بلکه محیط‌زیست در جایی حمایت می‌شود که از رفتار یک دولت به دولت دیگر خسارت وارد شود. بعید است از این دو پرونده استنباط شود محیط‌زیست دارای ارزش ذاتی برای حمایت است، چه خسارته به دولت دیگر وارد شده باشد، چه خیر.

برای اعمال ممنوعیت آلودگی‌های شدید زیست‌محیطی فرامرزی سه شرط لازم است:

- وجود خسارات زیست‌محیطی فرامرزی
- وجود خسارات زیست‌محیطی فرامرزی ناشی از عملکرد انسان‌ها
- وجود بحران جدی ناشی از خسارات زیست‌محیطی برای ارزیابی این خسارات باید با تعریف محیط‌زیست مربوطه، در مورد خسارات وارد به موجودات زنده، پوشش گیاهی، محیط زندگی و طبیعت محیط مورد نظر، به تحقیق Epiney(1995: 334)؛ مخصوصاً برای جلوگیری از وارد شدن خسارات جانی به مردم آن منطقه، این ممنوعیت ضروری تلقی می‌شود. برای نشان دادن شدت خسارات باید این عوامل ارزیابی شود؛ مدت زمان ورود خسارات، میزان اثرگذاری بر محیط، امکان جبران یا عدم جبران خسارت. در صورت امکان جبران خسارت باید هزینه‌های آن نیز برآورد شود (؛)؛ Faßbender, 2012:271; Epiney, 1995: 333; Güneş, 2012: 1- 100. فعالیت‌های فوق العاده خطرناک^۸ مثل کاربرد نیروگاه‌های هسته‌ای باید برای گردانندگان این نیروگاه‌ها مسئولیت مادی قائل شد که این خود دارای اهمیت زیادی است. یکی از ویژگی‌های دیگر ممنوعیت آلودگی‌های شدید زیست‌محیطی فرامرزی پیشگیری از ورود خسارت به محیط‌زیست است (Faßbender,(2012:2728; Epiney, 1995: 329)؛ بدین معنی که به جای

است، ایجاد کرده است. اکوادور ادعا کرد که اقدامات صورت گرفته توسط کلمبیا احتمال خطر ورود خسارت در آینده را گسترش داده و بر این اساس موجبات نقض هنجارهای عرفی و حقوق فراردادی را فراهم کرده است. اکوادور همچنین اظهار کرد که صدمات و تهدیدهای ناشی از آن دربردارنده پارهای از آثار غیرقابل برگشت نسبت به محیط‌زیست بوده و این امر مؤید آن است که کلمبیا در اجرای تعهدات خود مبنی بر رعایت وظيفة بازدارندگی رعایت اصل احتیاطی مرتکب قصور شده است؛ بنابراین، پرونده حاضر فرصتی بی‌بدیل را برای دیوان بین‌الملل دادگستری فراهم کرده است تا ضمن رسانیدگی به دعواه مطرح شده در روش سازی محتوا، ارزیابی وضعیت و قابلیت اجرای پارهای از هنجارهای عرفی حقوق بین‌المللی محیط‌زیست و از جمله اصلی احتیاطی تأکید ورزد (دبیری و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۷۵). اصل احتیاطی را می‌توان با روش‌ها و ابزارهای متفاوتی در مورد نیروگاه‌های هسته‌ای در مناطق مرزی اعمال کرد (Geistlinger, 2003: 19; Faßbender, 2012: 273; Epiney, 1998: 94; Hummer, 2008: 511). قابل توجه است که وقتی در مناطق مرزی به دلیل نیروگاه‌های هسته‌ای احتمال وارد شدن خسارت در سطحی گسترده پیش‌بینی شود، کشور هم‌جوار این حق را دارد که با استناد به اصل احتیاط خواستار درخواست منع گسترش این خسارات از کشور صاحب نیروگاه شود؛ همچنین کشور همسایه حق دارد طبق اصل احتیاطی خواستار به کارگیری بهترین تکنولوژی موجود در نیروگاه‌های هسته‌ای مرزی شود و قبل از تأسیس نیروگاه تدبیر احتیاطی و پیشگیرانه را طبق اصل احتیاطی اتخاذ کند. در این میان مرزنشینان کشور همسایه نیز نباید فراموش شود. همان‌طور که در مباحث قبلی اشاره کردیم توجه به عوامل انسانی در جلوگیری از آسیب به آن‌ها دارای اهمیت ویژه‌ای است. خسارات ناشی از تشعشعات هسته‌ای عوارض جبران ناپذیری بر جسم و روح انسان دارد و لازم است طبق اصل احتیاطی از این خسارات پیشگیری کرد (GÜNEŞ, 2014: 20).

در پایان نتیجه‌ای که از این اصل می‌توان گرفت این است که دولت‌ها تنها وقتی می‌توانند اقدامی انجام دهند که ثابت کنند سبب ورود ضرر غیرقابل قبول به محیط‌زیست نخواهد شد. گرچه این تفسیر و نتیجه‌گیری از اصل مورد بحث، در جهت محدود کردن حاکمیت کشورها است؛ به همین ترتیب از این اصل حتی در مورد خسارت غیرقابل

حل و فصل چنین اختلافاتی هستیم (Faßbender, 2012: 272; Handl, 1987: 23; Geistlinger, 2003: 3

اصل احتیاطی^۸

در جهت دستیابی به توسعه پایدار، سیاست‌ها باید بر اساس اصل عمل احتیاطی بنا شود. در زمانی که هنوز اصل جلوگیری، آثار اساسی خود را بر کل مقررات حفاظت محیط‌زیست به جا نگذاشته بود، اصل احتیاطی مورد توجه قرار گرفت و بیش از آن توسعه یافت. این اصل را می‌توان از جمله ملاحظات و یکی از مهم‌ترین ابتکارات اعلامیه ریو گفته شده است: «به منظور حفظ محیط‌زیست، کشورها باید ضوابط و معیارهای پیشگیرانه حمایتی را بر اساس توانایی‌های خود مورد استفاده قرار دهند». اشاره به «دولت‌ها» جهانی بودن شمول اجرای اصل را می‌رساند و توجه به «توان هر دولتی» نشانگر مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت‌ها است. به نظر می‌رسد، اول این که ضرر باید مربوط به آینده و قابل پیش‌بینی باشد و نه فعلی و حتمی، چون تنها وقوع خطری قابل پیش‌بینی در آینده قابل پیشگیری است؛ دوم این که خطری که قرار است حادث شود، باید مهم باشد؛ پس «قابلیت پیش‌بینی منطقی» و «اهمیت خطر» دو مؤلفه‌ای هستند که باید در اعمال اصل احتیاطی در نظر گرفته شود (دبیری و دیگران، ۱۳۸۸: ۷).

اهمیت اصل احتیاطی در پارهای از قضایای مطروح شده نزد دیوان بین‌الملل دادگستری مورد تأکید قرار گرفته است. از جمله این قضایا می‌توان به دعوی اکوادور علیه کلمبیا مبنی بر سماپاشی هوایی در مجاورت با خطوط مرزی آن کشور اشاره کرد.

اصل احتیاطی در دعواه اکوادور علیه کلمبیا

در دعواه اکوادور علیه کلمبیا که در سال ۲۰۰۸ نزد دیوان بین‌المللی دادگستری اقامه شد، اکوادور ادعا کرد که کلمبیا با سماپاشی هوایی که جهت مقابله با آفات‌های گیاهی در مناطقی که نزدیک به خطوط مشترک مرزی با اکوادور قرار داشته، باعث ورود خسارت به سلامت انسانی، محصولات کشاورزی و حیوانات شده و همچنین آلودگی شدیدی در محیط‌زیست این کشور که دارای تنوع زیستی گسترده‌ای

8. The precautionary principle = Le principe de précaution

عرضه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست مطرح شده است (کاشیان و ارغند، ۱۳۹۳: ۱).

زندگی مشترک بین‌المللی لزوماً به همکاری بین‌المللی نیازمند است. در خصوص آلودگی‌ها و تخریب محیط‌زیست که در برخی موارد نیز غیرقابل کنترل می‌شوند و مرزهای جغرافیایی مایر کشورها را هم تحت تأثیر قرار می‌دهند، چرا که ماهیت آلودگی و تخریب محیط‌زیست، فرامرزی بودن است که برخورد با این مخاطرات مستلزم همکاری بین‌همه کشورهای جهان است که در دراز مدت به نفع همه ملل نیز خواهد بود. وجود هزاران معاهده بین‌المللی اعم از دو جانبه، چند جانبه، منطقه‌ای و جهانی نیازمند همکاری با دیگر دولت‌ها است. همکاری در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به اشکال مختلفی است که ذکر شد، وجود دارد. لازم به ذکر است که توافق در همکاری در قالب موافقت‌نامه‌ها است که هیچ‌گونه وظیفه و تعهدی را برای کشورها ندارد که این خود زمینه‌ای جهت جذب دولت‌ها در انعقاد چنین موافقت‌نامه‌هایی خواهد بود و علاوه بر اینکه کشورها، حاکمیت خود را از دست نمی‌دهند بلکه وجهه مشتبی را برای دولت‌ها ایجاد می‌نماید. این موافقت‌نامه‌ها اگر چه الزام آور نیستند اما همانند بیانیه‌های سازمان ملل متعدد و قطعنامه‌های مجمع عمومی در گسترش آگاهی در جهت حفظ محیط‌زیست نقش شایانی دارند (همان: ۲).

اصل همکاری در قضیه‌ای مطروح شده نزد دیوان بین‌الملل دادگستری مورد تأکید قرار گرفته است. در قضیه تریل اسماتر در سال ۱۹۴۱، در خصوص آلودگی فرامرزی این‌گونه استدلال می‌شود که اطراف اختلاف، بایستی با یکدیگر همکاری نمایند تا مسائل مربوط به خسارت ناشی از آلودگی هوای ناشی از کارخانه‌اند و به طور مشترک، مورد حل و فصل قرار دهد (زارعی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۱).

دولت‌ها در کنفرانس ملل متعدد در رابطه با انسان و محیط‌زیست در سال ۱۹۷۲ در شهر استکلهم طی اعلامیه‌ای «داشتن محیط‌زیست سالم و قابل زندگی با توجه به شیوه‌نامه و رفاه انسان‌ها» را یک حق شناخته‌اند و به همین لحاظ حق دسترسی به محیط‌زیست سالم، یک حق بنیادین محسوب می‌گردد. اصل ۲۴ اعلامیه، وجود روحیه همکاری میان اعضاء را، در راستای رسیدگی به موضوعات بین‌المللی از جمله حفاظت محیط‌زیست، ضروری می‌داند. در واقع، حفاظت از محیط‌زیست، می‌تواند موجود حق و تکلیف برای اعضای

ایثار زیست‌محیطی فقط با استناد به اهمیت خطر می‌شود خواستار اقدامات جبرانی شد و بار اثبات بی‌خطر بودن فعالیت را به عهده طرف مقابل نهاد (دیگران و دیگران، ۱۳۸۸: ۷-۸).

اصل همکاری^۹

اصل همکاری نوعی تعهد بین‌المللی و یکی از اصول لاینفک منشور سازمان ملل متعدد و در واقع یکی از ویژگی‌های حقوق بین‌الملل معاصر است. اصل همکاری بر اساس منشور سازمان ملل متعدد، الزام آور می‌باشد و در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست با توجه به ماهیت فرامرزی، یک موضوع استراتژیک و مهم تلقی می‌گردد؛ زیرا محیط‌زیست مرز نمی‌شناسد و مخاطرات زیست‌محیطی جنبه بین‌المللی دارند و به تبع آن حفاظت از محیط‌زیست و رویارویی با مخاطرات زیست‌محیطی، خارج از توان یک چند کشور است و نیازمند همکاری جامعه بین‌الملل در جهت مراقبت، جلوگیری، کاهش، رفع تأثیرات منفی ناشی از تخریب و آلودگی‌های محیط‌زیست است. همکاری در جامعه بین‌الملل به صورت موردی و هم به صورت مستمر بوده و مبنای اصل همکاری بر قواعد^{۱۰} Erga omnes است؛ چراکه اساس حقوق بین‌الملل محیط‌زیست برخلاف حقوق بین‌الملل عمومی، صرفاً متکی بر اصول و قواعد مبتنی بر روابط متقابل نیست و ریشه این اصل در حقوق عرفی و از اصول قدیمی حقوق بین‌الملل است که از زمان تشکیل نهاد جامعه جهانی، همکاری بین‌المللی به عنوان یکی از اصول الزام آور حقوق بین‌الملل عمومی در عرصه بین‌الملل وارد گردید؛ به خصوص بعد از جنگ جهانی اول و دوم، دولت‌ها به این نتیجه رسیدند که به جای مخاصمات، اقدام به همکاری نمایند. بر پایه این اصل، دولت‌ها موظف هستند در همه شرایط و با حسن نیت برای حفاظت از محیط‌زیست با یکدیگر همکاری کنند. این همکاری در زمینه‌های مختلف از جمله: تبادل اطلاعات، فناوری و متخصصان، منابع مالی، برگزاری دوره‌های آموزشی، شرکت در کنفرانس‌های بین‌المللی و حتی کمک در شرایط اضطراری است و از طریق انعقاد موافقت‌نامه‌ها، کنوانسیون‌ها و پروتکل‌ها در

9. Co-operation Principle

۱۰. قاعده‌ای عام الشمول که برای کلیه دولت‌های عضو جامعه جهانی، صرف نظر از آنکه مورد رضایت دولت‌ها باشد یا نه، الزام آور است.

نظر خواهی از مردم آن سرزمین، مشارکت دادن آن‌ها در روند تأسیس و به‌کارگیری تأسیسات هسته‌ای در مناطق مرزی در قالب اصل همکاری، اتخاذ تدبیر ایمنی و استفاده از بهترین تکنولوژی موجود کمک خواهد کرد تا این روند (به‌کارگیری نیروگاههای هسته‌ای) با اطمینان خاطر بیشتری پیش رو و احتمال خطر بروز فاجعه را به حداقل ممکن، کاهش دهد (GÜNEŞ, 2014:22).

بحث و نتیجه‌گیری

نیروگاههای هسته‌ای موجود در مناطق مرزی یکی از مسائل روزمره جهانی است که بسیاری از کشورهای از دسترس خود ساخته است. معاهدات که یکی از منابع اصلی حقوق بین‌الملل است در این زمینه دارای یک سری کتوانسیون‌ها و اعلامیه‌هایی است که قابل توجه است. گرچه در این کتوانسیون‌ها و اعلامیه‌ها مقررات خاصی در این زمینه وضع شده است ولی این مقررات الزام عام و حقوقی خاصی ندارند. این کتوانسیون‌ها و معاهدات عبارت‌اند از: کتوانسیون ایمنی هسته‌ای، کتوانسیون اعلام فوری حادثه هسته‌ای، کتوانسیون مسئولیت مدنی در خصوص خسارات واردہ بر شخص ثالث در انرژی هسته‌ای (کتوانسیون پاریس) و کتوانسیون اسپو. اعلامیه‌های مرتبط نیز شامل اعلامیه استکلهلم و اعلامیه ریو است. بود قواعد حقوقی و آشکار در این زمینه نشان دهنده عدم تمایل دولت‌های بزرگ هسته‌ای در محدود کردن قدرت هسته‌ای خود می‌باشد. قواعد حقوق بین‌الملل عرفی نیز در موضوع وجود نیروگاههای هسته‌ای در مناطق مرزی اهمیت خاصی دارد حتی قواعد عرفی بین‌المللی در این زمینه دارای مقرراتی مهم تر و تأثیرگذارتر از منابع حقوقی نوشته (کتوانسیون‌ها و اعلامیه‌ها) است. اصول سه‌گانه عرفی مهم در زمینه نیروگاههای هسته‌ای در مناطق مرزی عبارت‌اند از: ممنوعیت آلودگی‌های شدید زیست‌محیطی فرامرزی، اصل احتیاطی و اصل همکاری. در مبحث تأسیس و به‌کارگیری نیروگاههای هسته‌ای در مناطق مرزی چه در کتوانسیون‌ها و چه در قواعد حقوق بین‌الملل عرفی، قاعده‌ای که دارای ممنوعیت عام باشد را ندارد. متأسفانه عمده حقوق موضوعه محیط‌زیست چه در عرصه بین‌المللی و چه در عرصه داخلی، حالت نرم و توصیه‌ای دارد و باید تدبیری کرد که حقوق محیط‌زیست از حالت توصیه‌ای خارج گردد و حالت سخت و الزام آور به خود بگیرد.

جامعه بین‌المللی باشد. در اجرای این حق و تکلیف، اصول قواعدی قابلیت اجرایی بین‌المللی خواهد یافت و به دلیل اینکه همه دولت‌ها بدون استثناء در آن سهیم خواهند بود، به صورت حقوق بین‌الملل عرفی نمایان می‌گردد. بسیاری از قواعد عرفی حقوق بین‌المللی محیط‌زیست در رویه دولت‌ها شکل می‌گیرد و اصل همکاری نیز، از جمله قواعدی است که ریشه در حقوق بین‌المللی عرفی دارد. بر این اساس، اصل همکاری اصلی است که تمامی دولت‌ها اعم از اینکه عضو کتوانسیون‌های زیست‌محیطی باشند یا خیر، ملزم به رعایت آن هستند. (همان: ۱۱-۱۲). اصل همکاری به عنوان یکی از اصول حقوق بین‌الملل عرفی در کاربرد نیروگاههای هسته‌ای در مناطق مرزی باید این نتایج را به دنبال داشته باشد. نخست لازم به توضیح است که قبل از آغاز فعالیت‌های هسته‌ای و تأسیس نیروگاه‌ها، باید در قالب «ارزیابی اثرات زیست‌محیطی»^{۱۱} تأثیرات این فعالیت‌ها را بر محیط‌زیست ارزیابی و در سطح دولت‌ها مورد بحث قرار گیرد و دیگر آنکه فعالیت‌های مربوطه را باید به اطلاع مقامات دارای صلاحیت کشور همسایه و متعاقباً به مردم آن سرزمین رساند تا در روند تصمیم‌گیری نهادینه شدن این تأسیسات، مشارکت داشته باشند. این آگاهی و اطلاع کشور همسایه، دولت آن کشور را در قبال فاجعه هسته‌ای و آلودگی محیط‌زیست آماده می‌کند تا در صورت امکان تدبیری پیشگیرانه اتخاذ کند. قابل توجه است که اگر دولت صاحب نیروگاه هسته‌ای بخواهد تغییراتی بنیادین در تأسیسات خود به وجود آورد، همچنان وظیفه دارد این تغییرات را به اطلاع دولت هم‌جوار خود برساند و مشارالیه را از تدبیر لازم ایمنی و احتیاطی آگاه سازد. مخصوصاً زمانی که فاجعه‌ای هسته‌ای در شرف حادث شدن باشد، دولت وظیفه دارد دریاره نحوه اتخاذ تدبیر ایمنی و احتیاطی را به همسایه خود راهنمایی لازم را به عمل آورد. در پایان این نکته حائز اهمیت است که مشورت با مقامات دارای صلاحیت کشور همسایه،

۱۱. ارزیابی اثرات زیست‌محیطی (Environmental impact assessment) با نشانه اختصاری EIA فرایند رسمی است که برای پیش‌بینی پیامدهای زیست‌محیطی (مثبت یا منفی) از یک طرح، سیاست، برنامه، یا پروژه قبل از تصمیم به حرکت به جلو با اقدام پیشنهادی است. ارزیابی تأثیر رسمی ممکن است در قواعد روش اجرایی در مورد مشارکت عمومی و مستندات از تصمیم‌گیری کنترل شود و ممکن است موضوع بررسی قضایی باشد. ارزیابی اثرات ممکن است اقداماتی برای تنظیم اثرات به سطح قابل قبول یا بررسی راه حل‌های جدید فناوری پیشنهاد دهد.

منابع

- Möglichkeiten Österreichs zur Verhinderung des Kernkraftwerkes Temelín. Salzburg.*
- Güneş, Ahmet M. (2012). *Uluslararası Çevre Hukuku Üzerine Bir İnceleme, İstanbul Üniversitesi Hukuk Fakültesi Mecmuası*. S. 1, s. 83 vd.
- GÜNEŞ, Ahmet M. (2014). "ULUSLARARASI HUKUK AÇISINDAN SINIR BÖLGELERİNDE BULUNAN NÜKLEER SANTRALLER". *TAAD*, Yıl: 5, Sayı: 17.
- Handl, Günther (2012). *Grenzüberschreitendes nukleraes Risiko und völkerrechtlicher Schutzanspruch*. Berlin.
- Hummer, Waldemar: Temelín (2008). *Das Kernkraftwerk an der Grenze, Zeitschrift für öffentliches Recht*. S. 501 vd.
- Ipsen, Knut (2004). *Völkerrecht*. 5. Auflage, München.
- Kissich, Susanne (2001). *Internationales Atomhaftungsrecht*. Baden-Baden.
- Kloepfer, Michael, Kohler, Christian (1981). *Kernkraftwerk und Staatsgrenze*. Berlin.
- Korkusuz, Mustafa Refik (2012). *Nükleer Santral İşletenin Hukuki Sorumluluğu*, İstanbul.
- Pazarçı, Hüseyin (2005). *Uluslararası Hukuk*. 3.Bası. Ankara.
- Schärf, Wolf-Georg (2008). *Europäisches Nuklearrecht*. Wien.
- Von Arnould, Andreas (2012). *Klausurenkurs im Völkerrecht*. 2. Auflage. Heidelberg.
- <http://www.environmentalhealth.ir> بهداشت محیط ایران
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون کمک رسانی به هنگام وقوع حادثه هسته‌ای یا فوریت رادیولوژیکی و کنوانسیون اعلام فوری حادثه هسته‌ای، قابل دسترس در سایت: <http://rc.majlis.ir>
- میرزاپی، سعیده، (۱۳۹۲)، «عرف بین‌المللی و نزاكت بین‌المللی»، قابل دسترس در آدرس <http://archive.mardomsalari.com>
- ویکی پدیای فارسی (بی‌تا)، کنوانسیون اینمنی هسته‌ای <https://fa.wikipedia.org>
- جلالیان، عسکر (۱۳۹۵). حقوق بین‌الملل محیط‌زیست. تهران: نشر دادگستر.
- خدابنده، هلن (۱۳۸۷) «چکیده کتاب ارزیابی اثرات محیط‌زیستی تجارب، تنگهاها و روند آینده»، *نشریه محیط و توسعه*. سال ۲. شماره ۳.
- دیبری، فرهاد و دیگران (۱۳۸۸). «بررسی اصول و مفاهیم حقوق بین‌الملل محیط‌زیست با نگاهی به توسعه بایدار». *مجله علوم و تکنولوژی محیط‌زیست*. دوره ۱۱. شماره ۳.
- ربکا، والاس (۱۳۹۴). حقوق بین‌الملل. ترجمه قاسم زمانی و مهناز بهرام لو، چاپ پنجم. تهران: انتشارات شهر دانش.
- زارعی، سحر و دیگران (۱۳۹۲). «بررسی جایگاه اصل همکاری در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست». *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*. سال ۱۵. شماره ۳۹.
- فرشچی، پروین؛ روح شهباز، نازنین (۱۳۸۵). «بهره‌گیری از کنوانسیون ارزیابی اثرات زیستمحیطی فرامرزی (ESPOO) در جهت حل مشکلات زیستمحیطی با ماهیت فرامرزی در دریای خزر». *فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط‌زیست*. دوره ۸. شماره ۳.
- کاشیان، هادی؛ ارغند، بهاره (۱۳۹۳). «همکاری بین‌المللی از حقوق بین‌الملل عمومی تا حقوق بین‌الملل محیط‌زیست»، دفتر استناداردهای ذهنی، مهندسی، اجتماعی و زیستمحیطی برق و انرژی.
- Budak, Sevim (2005). *Sınırötesi Çevresel Etki Değerlendirmesi (ESPOO)*. Sözleşmesi, Yeditepe Hukuk Fakültesi Dergisi.C. 2, S. 2, s. 21 vd.
- Doğan, İlyas (2008). *Devletler Hukuku*. Ankara.
- Epiney, Astrid (2003). *Zur Einführung Umweltvölkerrecht*. JuS, s. 1066 vd.
- Epiney, Astrid, Scheyli, Martin (1998). *Strukturprinzipien des Umweltvölkerrechts*, Baden-Baden.
- Epiney, Astrid(1995). *Das Verboterheblichergrenzüberschreitender Umweltbeeinträchtigungen": Relikt oder konkretisierungsfähige Grundnorm?* Archivdes Völkerrechts, s. 309 vd
- Faßbender, Kurt (2012). *Atomkraftwerke aus umweltvölker- und nachbarrechtlicher Sicht*, Zeitschrift für Umweltrecht, s. 267 vd.
- Geistlinger, Michael (2003). *Völkerrechtliche*